

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

مبانی عقلی امامت از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی یوسفی زیدعزه

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر یارعلی کرد فیروزجایی زیدعزه

نگارش:

مهدی محرمی

اسفند ۱۳۹۰

تقدیم بہ

وصی بلا فصل پیامبر اسلام، قائد الغر المحجلین، در شہر علم ابوالائمہ حضرت

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام

شکر و سپاس

برای زیادتی نعمت از جانب خداوند متان، لازم است که در قبال توفیقی که برای اتمام این رساله نصیب بنده گردید، پروردگار متعال را شکر گویم. و برای تائید شکر ضروری است از استاد راهنما جناب حجة الاسلام و المسلمین محمد تقی یوسفی-زید عزه- و استاد مشاور جناب حجة الاسلام و المسلمین یار علی کرد فیروز جانی-زید عزه کمال شکر دارم. در پایان از حسن مراقت، همسر عزیزم که مشوق علی بنده بودند، سپاسگزارم.

چکیده

در این نوشتار چهار دلیل به عنوان ادله عقلی ضرورت امام مطرح گردیده است. که دو تا از آنها ادله عقلی محض و دو تای دیگر ادله عقلی غیر محض محسوب می شوند. قاعده لطف و دفع ضررهای محتمل به عنوان ادله عقلی محض و دلیل مقدمه واجب مطلق بودن امام و حافظ دین اسلام بودن امام به عنوان ادله عقلی غیر محض طرح شده اند. قاعده لطف یکی از مهم ترین ادله وجوب امامت به شمار می رود. متکلمان امامیه از طرفی با توجه به این قاعده، سه تقریر مختلف از لطف بودن وجود امام ارائه داده اند. که علامه طباطبایی همچون فاضل مقداد، بدون محور قرار دادن تکالیف شرعی یا عقلی، به تقریر لطف بودن وجود امام پرداخته است. و از سوی دیگر متکلمان وجوب لطف را براساس حکمت الهی تبیین کرده اند. فخررازی در مورد دلیل لطف هم مقدمه اول (لطف بودن وجود امام) و هم مقدمه دوم (وجوب کلامی لطف بر خدا) را مورد تشکیک قرار داده است. دفع ضررهای محتمل اگرچه یک دلیل عقلی محض به حساب می آید لیکن فخررازی آن را به عنوان دلیل غیر عقلی مطرح می کند. به همین جهت مورد نقد جدی علمای شیعه همچون خواجه نصیرالدین طوسی قرار گرفته است. دلیل مقدمه واجب مطلق بودن امام، هم با توجه به اینکه اشاعره مُنکر حُسن و قُبْح عقلی اند؛ با مبانی اشاعره سازگاری ندارد. بلکه این دلیل اگر از جانب قائلین به حُسن و قُبْح عقلی (امامیه، معتزله) طرح گردد، مورد قبول واقع می شود. دلیل حافظ دین اسلام بودن امام یکی از بهترین ادله عقلی غیر محض وجوب امامت است که علامه طباطبایی به احسن وجوه آن را تقریر و تبیین کرده است.

در این نوشتار با توجه به آرا و اندیشه های فخررازی و علامه طباطبائی این چهار دلیل تقریر شده و اگر اشکالی این دو بزرگوار مطرح کرده اند؛ طرح اشکال گردیده است.

به این ادله اشکالاتی وارد شده است؛ که بر اساس مبانی فخررازی و علامه طباطبایی، این اشکالات مورد نقد و بررسی قرار گرفته است

در نهایت به دو نتیجه مهم می رسیم: (۱) اگر این ادله اربعه از سوی اندیشمندان اشاعره مطرح شوند، قابل خدشه و مناقشه می باشد زیرا با مبانی آنها ناسازگار می باشند و اگر از سوی اندیشمندان امامیه مطرح شوند، پذیرفتنی و مقبول می باشد. (۲) به غیر از دلیل مقدمه واجب مطلق بودن امام، مقتضای سایر ادله ضرورت امامت، وجوب نفسی امامت است.

فصل اول : کلیات و مفاهیم ۱

گفتار اول: کلیات ۳

۱. تعریف و تبیین موضوع ۵

۲. ضرورت و اهمیت مسئله ۵

۳. طرح مسئله (سوالات اصلی و فرعی) ۶

۴. انواع رویکردها به مسئله امامت پژوهی ۷

۵. پیشینه امامت پژوهی ۱۰

۶. معرفی مذهب اشاعره و امامیه ۱۱

۷. زیست نامه ۱۶

۸. روش تحقیق ۲۱

۹. مشکلات و موانع تحقیق ۲۲

۱۰. کلید واژه ۲۲

گفتار دوم: مفاهیم ۲۳

۱. دسته بندی مبانی و ادله در مسئله امامت ۲۴

۲. ماهیت و حقیقت امامت ۲۵

۳. معنای لغوی و اصطلاحی امامت و خلافت ۳۲

فصل دوم : مبانی عقلی محض ۴۲

گفتار اول: لطف ۴۴

| | |
|----|-------------------------------------|
| ۴۵ | 1. تبیین قاعده |
| ۵۱ | ۲. تبیین استدلال به قاعده لطف |
| ۵۷ | ۲. بیان شبهات و بررسی آنها |
| ۷۴ | ۳. جمع بندی مطالب |
| ۷۵ | گفتار دوم: دفع ضررهای محتمل |
| ۷۷ | ۱. تبیین دلیل |
| ۸۱ | ۲. بیان شبهات و بررسی آنها |
| ۸۷ | ۳. جمع بندی مطالب |

۸۸..... فصل سوم: مبانی عقلی غیر محض

| | |
|-----|---|
| ۹۰ | گفتار اول: نصب امام مقدمه واجبات مطلق |
| ۹۲ | ۱. تبیین دلیل |
| ۹۴ | ۲. بیان شبهات و بررسی آنها |
| ۹۸ | ۳. جمع بندی مطالب |
| ۹۹ | گفتار دوم: امام حافظ دین اسلام |
| ۱۰۱ | ۱. تبیین دلیل |
| ۱۰۷ | ۲. بیان شبهات و بررسی آنها |
| ۱۰۸ | نقد و بررسی |
| ۱۰۹ | ۳. جمع بندی مطالب |
| ۱۱۰ | خاتمه |
| ۱۱۲ | فهرست منابع و مأخذ |

فصل اوّل : کلیات و مفاهیم

گفتار اوّل: کلیات

گفتار دوم: مفاهیم

گفتار اول: کلیات

۱. تعریف و تبیین موضوع
۲. ضرورت و اهمیت مسئله
۳. طرح مسئله (سوالات اصلی و فرعی)
۴. انواع رویکردها به مسئله امامت پژوهی
۵. پیشینه امامت پژوهی
۶. معرفی مذهب اشاعره و مذهب امامیه
۷. زیست نامه
۸. روش تحقیق
۹. مشکلات و موانع تحقیق
۱۰. کلید واژه

مقدمه

مسئله امامت یکی از مسائل مهم دین اسلام محسوب می‌گردد. به طوری که طبق اعتقادات مذهب امامیه، امامت یکی از ارکان دین و اصول دین به شمار می‌رود. تبیین و تشریح درست و جامع مسئله امامت، سبب تقریب فرقی مختلف مسلمانان و مانع تشتت و از هم گسیختگی امت اسلامی خواهد شد. به گفته عبدالکریم شهرستانی اشعری (م ۵۴۸ ق) در هیچ زمانی هیچ شمشیری همچون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شده، بر بنیاد دین فرو نیامده است:

ما سَلَّ سَيْفٌ فِي الْإِسْلَامِ عَلَى قَاعِدَةٍ دِينِيَّةٍ مِثْلَ مَا سَلَّ عَلَى الْإِمَامَةِ فِي كُلِّ زَمَانٍ^۱

حدیث مشهور نبوی ذیل بیانگر اهمیت مسئله امامت در بین مسائل دیگر دینی است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۲

یکی از مباحث بنیادین مسئله امامت مبحث مبانی عقلی ضرورت وجود امام در جامعه است. آیا علاوه بر اینکه آیات قرآن کریم و روایات معصومین^۳ (علیهم السلام) و بناء عقلاء حکم به ضرورت وجود امام در جامعه می‌کنند؛ عقل نیز به چنین ضرورتی اذعان دارد؟ آیا از منظر عقل باید برای جامعه اسلامی حاکم و رهبری تعیین شود؟ آیا مردم بدون امام و رهبر می‌توانند به صورت صحیح و کامل به دستورات دین اسلام عمل کنند؟ آیا انسانها بدون رهبر و امام یارای شکوفا کردن همه استعدادهای جسمی و روحی خویش را دارند؟...

پاسخ صحیح و کامل به این سؤالات ما را به سمت تحقیق درباره مبانی عقلی امامت می‌کشاند. البته در این نوشتار، این مسئله از دیدگاه فخررازی و علامه طباطبایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، ص ۳۰، منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶-۹۵

۳. امام علی (ع) در بیان ضرورت وجود امام در جامعه می‌فرماید: "لا بدّ للناس من امیر برّ أو فاجر" مردم نیازمند فرمانروا و حاکم هستند خواه این حاکم نیکوکار باشد و خواه بدکار. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۱. تعریف و تبیین موضوع

خداوند متعال برای شکوفا شدن استعدادها و کمالات وجودی انسانها، مقدمات تکوینی و تشریحی را فراهم کرده است. یکی از این مقدمات و شاید مهم‌ترین آنها، بعثت انبیا می باشد. امری که به موجب آن، خداوند متعال با حکمت بالغه خویش، در حدّ تمام و کمال، سعادت و خوشبختی انسانها را رقم زده است. حال، سؤال این است که آیا خداوند فقط امر بعثت انبیا را تحقّق بخشیده است یا اینکه مسئله جانشینی و وصایت بعد از انبیا را نیز مطرح کرده است؟ آیا می توان بدون استمداد از نقل (آیات و روایات) برای این سؤال پاسخی پیدا کرد؟ آیا عقل بشری می تواند، اثبات کند که مسئله رسالت انبیا بدون مسئله امامت و جانشینی بعد از انبیا، کامل می شود؟ آیا عقل می تواند اثبات کند که غرض از بعثت انبیا که همان سعادت و خوشبختی انسانها در سایه شکوفا شدن استعدادها و کمالات وجودی آنها است، بدون امامت، حاصل می شود؟ چه دلایل عقلی به یاری ما خواهند آمد تا بدون توجه به دلایل نقلی، مسئله ضرورت امامت را برای جامعه دینی؛ تبیین و تشریح کنند؟

ما در این تحقیق، مسئله ضرورت عقلی امامت را از دیدگاه دو تن از اندیشمندان اسلامی، امام فخررازی صاحب تفسیر کبیر و علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان، مورد بحث و بررسی قرار داده ایم.

۲. ضرورت و اهمّیت مسئله

با توجه به نکات ذیل می توان به ضرورت و اهمّیت بحث و بررسی مسئله مباحث عقلی امامت از دیدگاه امام فخررازی و علامه طباطبایی پی برد.

۱- موجب ابهام زدایی و شفاف سازی آراء و نظرات بزرگان و اندیشمندان شیعی و اشعری در مسئله امامت به محوریت آن دو بزرگوار، می شود.

۲- تبیین و تشریح ضرورت مسئله امامت از نگاه عقلانی را در پی دارد.

۳- سبب تسهیل در دسترسی محققین و پژوهشگران به نظرات و آراء علماء اشعری و شیعی در مسئله امامت می شود.

و همچنین دیدگاه های این دو اندیشمند برجسته عالم اسلام، در این نوشتار به صورت منصفانه مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

۳. طرح مسئله (سؤالات اصلی و فرعی)

سؤال اصلی:

۱. مبانی عقلی امامت از دیدگاه امام فخررازی و علامه طباطبائی چیست؟

سؤالات فرعی:

۲. آیا «قاعده لطف» را می توان به عنوان یک دلیل عقلی محض در مسئله ضرورت امامت، اثبات کرد؟

۳. آیا «دفع ضررهای محتمل» را می توان به عنوان یک دلیل عقلی محض در مسئله ضرورت امامت، اثبات کرد؟

۴. آیا «نصب امام مقدمه واجبات مطلق» را می توان به عنوان یک دلیل عقلی غیر محض در مسئله ضرورت امامت، اثبات کرد؟

۵. آیا «امام به عنوان حافظ دین اسلام» را می توان به عنوان یک دلیل عقلی غیرمحض در مسئله ضرورت امامت، اثبات کرد؟

پاسخ تفصیلی به سؤال اصلی در ضمن دو فصل جداگانه با عناوین مبانی عقلی محض و مبانی عقلی غیر محض بیان شده است. و پاسخ به سؤالات فرعی دوّم و سوّم به عنوان دو بخش از

فصل اول و پاسخ به سؤالات فرعی چهارم و پنجم به عنوان دو بخش از فصل دوم بیان گردیده است.

۴. انواع رویکردها به مسئله امامت پژوهی

مسئله امامت از ارکان مهم تفکر شیعی و نقطه اختلافی بین اهل تشیع و اهل تسنن می باشد که شناخت دقیق آن و تبیین زوایای مختلف آن، لازم و ضروری است. با توجه به این مطلب نمی توان به شناخت صحیح و کامل رسید مگر اینکه روش صحیح برخورد و مواجهه با مسئله امامت در پژوهش های دینی به خوبی تبیین شود.

امروزه اهمیت روش شناسی بر کسی پوشیده نیست. در اهمیت شناخت و ضرورت روش شناسی در هر حوزه عملی و معرفتی سخن ذیل از استاد شهید مطهری (ره) راهگشاست:

بیان اختلاف علوم از لحاظ روش و اسلوب فکری و تعیین اینکه در فلان علم از چه روش و اسلوبی باید استفاده کرد تا به نتیجه مطلوب رسید، مهم ترین تنبیه و توجیهی است که دانشمندان پیدا کرده اند و به عقیده ی این دانشمندان از آن روزی که روش های علوم شناخته شد، راه پیش روی و تکامل باز شد و علت اصلی رکود و توقف علم در قدیم همانا نشناختن متد و طرز تفکر صحیحی است که در هر علم لازم است.^۱

مسئله امامت، مسئله ای مرکب و پیچیده است و از زوایای مختلفی می توان بدان نگریست. همچنین این مسئله در دانش های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و همین امر سبب می شود که دقت های روشی در پژوهش های مربوط به مسئله امامت، اهمیتی دو چندان پیدا کند.

برخی از متفکران معاصر درباره روش متکلمان شیعه در بحث از امامت عامه می نویسند:

متکلمان شیعه بر اساس این دیدگاه که نظریه امامت از ارکان آموزه های دینی است؛ بحث از آن را در آثار کلامی طرح می کنند. روش متکلمان شیعه در بحث از

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۶، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا، ۱۳۷۴ ش.

امامت عامه، روش تحلیلی و منطقی است. آنها با ابزارهای منطقی، به تحلیل شرایط استمرار نبوت و چگونگی عدم نفی غرض از نبوت پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ می پردازند و ضرورت عقلی نصب امام به وسیله خداوند و شرایط امام، همچون عصمت و سایر مباحث مربوط به آن را طرح می کنند. روش متکلمان در این روی آورد، پای بندی به اصل «نحنُ ابناءُ الدلیل، نمیلُ حیثُ یمیلُ» و البته مراد از استدلال در این روی آورد، انحصاراً استدلال برهانی نیست، بلکه مفهوم اعمی است که آنتونی کنی به صورت روشن، آن را در کتاب «ایمان چیست؟» ترسیم کرده است. متکلمان، هم در مقام اثبات و تبیین و هم در مقام دفاع و نقد، روش های متنوعی دارند. آنها بر خلاف فیلسوفان که تک روشی (monomethodic) اند و «نحنُ ابناءُ الدلیل» را به معنای «نحنُ ابناءُ البرهان» تلقی می کنند، از تعدد روش در استدلال (polymethodic) برخوردار هستند. به همین دلیل است که در بسیاری از مباحث امامت خاصه، بر خلاف امامت عامه، به جای شیوه های تحلیلی-برهانی، از روش های نقلی و درون دینی بهره می جویند. خواجه نصیرالدین طوسی، متکلم مؤثر شیعی که او را مؤسس کلام فلسفی شیعه نامیده اند، در رساله «الإمامة» سعی کرده است تا بیش و کم، شبیه روش وی در قواعد مورد پژوهش قرار دهد. وی بر اساس تقسیم بندی پرسش ها و مطالب، تمام مباحث امامت را در پنج مسأله: «ما»، «هل»، «لم»، «کیف»، «من»، نظام بخشیده است.^۱

در بررسی و تحقیق مسئله امامت پژوهی، می توان رویکردهای متنوع و مختلفی را اتخاذ کرد که البته همین نوع انتخاب در رویکرد بحث، سبب مختلف شدن مباحث و مسائل امامت و گوناگونی آثار در میان محققان و اندیشمندان اسلامی گردیده است.

اهم رویکردها در مسئله امامت پژوهی میان اندیشمندان مسلمان به شرح ذیل می باشد:^۲

۱. فرامرز قراملکی، احد، امامت روش شناختی و چستی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شماره ۳ سال ۱۳۸۱ ش.

۲. همان، فرامرز قراملکی، احد، کتاب امامت پژوهی، مقاله اول، چاپ دوم، ۱۳۸۷، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زیر نظر محمود یزدی مطلق.

۴_۱. رویکرد فقهی

اکثر^۱ دانشمندان اهل تسنن نسبت به مسئله امامت، رویکرد فقهی دارند. به این معنا که مسئله امامت را یک مسئله فرعی دین نه اصول دین و جزء مسائل علم فقه نه مسائل علم کلام، می دانند و انتخاب و تعیین امام را به عنوان فعلی از افعال مکلفان می شمارند.^۲

۴_۲. رویکرد تفسیری_روایی

در این نوع رویکرد، محقق و پژوهشگر نگاه درون دینی دارد؛ بدین معنا که محقق با مراجعه به نصوص و ظواهر دینی آیات قرآن و روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام می کوشد تا به حقیقت و ماهیت امامت و ابعاد گوناگون آن، پی ببرد.^۳

۴_۳. رویکرد تاریخی

در این رهیافت که بیشتر در مورد امامت خاصه به کار می رود، پژوهشگر با مراجعه به اسناد و دلائل تاریخی که از صدر اسلام به جای مانده است، به بررسی مسئله امامت می پردازد. نقد و تحلیل مسائلی همچون نوع مواجهه امت اسلامی با مسئله جانشینی پیامبر اسلام بعد از رحلت ایشان، واقعه غدیر و... در این نوع رویکرد مطرح می شود.^۴

۴_۴. رویکرد عرفانی

در این رهیافت، پژوهشگر به امام، به عنوان انسان کامل نگاه می کند و نقش وی را در سلوک الی الحق مورد بحث و بررسی قرار می دهد.^۵ به تعبیر استاد مطهری، عالی ترین مرتبه امامت، آن است که به انسان کامل مربوط می شود و عرفا به آن نظر دارند.^۶

۱. عده ای از علماء اهل تسنن، مسئله امامت را جزو اصول دین محسوب می کنند همچون قاضی بیضاوی و علامه آشروشنی، ر.ک «حقائق الحق و ازهاق الباطل» قاضی نور الله شوشتری، ج ۲ ص ۳۰۷.

۲. مثل کتاب «لارشاد» امام الحرمین جوینی، «لاقتصاد فی الاعتقاد» ابو حامد محمد غزالی، «شرح المواقف» میر شریف جرجانی، «شرح المقاصد» سعدالدین تفتازانی و....

۳. مثل کتاب ارزشمند «عقبات الانوار فی اثبات إمامة الائمه الأطهار علیهم السلام» تألیف میرحامد حسینی هندی، کتاب «الغدیر فی الكتاب و السنّة و الأدب» تألیف علامه عبدالحسین امینی.

۴. مثل کتاب «السقیفة و الخلافة» تألیف عبدالفتاح عبدالمقصود.

۵. مثل کتاب «الأمانة فی بیان الإمامة و تحقیقها» تألیف عارف شیعی سید حیدر آملی.

۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴، صص ۸۴۸-۸۴۹، تهران، صدرا، ۱۳۷۴ ش.

۴_۵. رویکرد فلسفی-کلامی

در این نوع رهیافت، پژوهشگر با روش تحلیلی و منطقی، مسئله امامت را مورد پژوهش قرار می‌دهد و به تبیین و اثبات عقلانی مسئله امامت و ابعاد گوناگون آن، می‌پردازد.^۱

۴_۶. رویکرد میان رشته‌ای

در این نوع رهیافت، پژوهشگر با توجه به آسیب‌های موجود در رویکرد خاص به یک مسئله - مثل دچار مغالطه‌کنه و وجه‌شدن - سعی می‌کند مسئله را از ابعاد گوناگون و در کنار هم مورد بحث و بررسی قرار بدهد و این به معنای جمع‌جبری و التقاط و در آمیختن دیدگاه‌ها نیست.

ما در این نوشتار با توجه به عنوان تحقیق، رویکرد فلسفی و کلامی را دنبال می‌کنیم و به اندازه وسع و توان علمی مان، به بحث و بررسی مسئله خواهیم پرداخت.

۵. پیشینه امامت پژوهی

مسئله امامت یکی از مهم‌ترین مسائل علم کلام اسلامی است که پس از بحث شناخت خدا، هیچ موضوعی این چنین توجه دانشمندان مسلمان را به خود جلب نکرده است. حتی درباره هیچ بحثی چون امامت، میان مسلمین درگیری بوجود نیامده است. آن هم نه تنها پیکار قلمی و گفتگوهای تند علمی بلکه پیکارهای خونین و کشتار در میدان‌های کارزار که گاه در کوچه و بازار نیز اتفاق افتاده است. به گفته شهرستانی (م ۵۴۸ ق) در هیچ زمانی هیچ شمشیری همچون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شده بر بنیاد دین فرو نیامده است:

ما سَلَّ سَيْفٌ فِي الْإِسْلَامِ عَلَى قَاعِدَةٍ دِينِيَّةٍ مِثْلَ مَا سَلَّ عَلَى الْإِمَامَةِ فِي كُلِّ زَمَانٍ.^۲

پیروان همه مذاهب اسلامی غیر از یکی از شاگردان ابوهدیل علفی (۲۳۵-۲۳۷ ق) و خوارج، نصب امام را واجب دانسته‌اند. هر چند در مصداق و شخص امام و چگونگی انتخاب آن، اختلاف جدی و دیرینه‌ای وجود داشته است. در میان پیروان مکتب شیعی امامیه، کمتر نویسنده‌ای را می‌توان یافت که درباره امامت چیزی ننوشته باشد. آنان معمولاً به ضمیمه دیگر مباحث

۱. مثل کتاب «سأله الإمامة» تألیف خواجه نصیرالدین طوسی.

۲. شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، ص ۳۰، منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش.

کلامی و حتی به طور مستقل و گاه در یک رساله یا کتاب مفصل و چه بسا در چندین جلد به این مسئله مهم نیز پرداخته اند. و در میان پیروان مکتب غیر شیعی (اشاعره، معتزله، ماتریدیه)، به دلیل اینکه مسئله امامت را یک مسئله فرعی و فقهی می دانند و جزو ارکان دین محسوب نمی کنند؛ مباحث امامت را مفصل و کامل بیان نکرده اند. اگر چه برخی از اندیشمندان اهل تسنن کتب مستقلی درباره مسئله امامت تألیف کرده اند. ولی به جهت اینکه جایگاه امامت در میان آنها بسان جایگاه امامت در میان شیعه نیست به گستردگی اندیشمندان شیعی، به مسئله توجه نکرده اند.

با این همه مسئله امامت پژوهی، در میان دانشمندان مسلمان سابقه طولانی دارد بطوری که آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۸ق) کتاب شناس بزرگ شیعی، أسامی ۱۲۰ رساله مستقل در موضوع امامت را از دانشمندان مسلمان گزارش کرده است.^۱ از میان آنها می توان به کتاب های همچون «الإمامة» شیخ صدوق (م ۳۷۱ ق) «الإرشاد فی معرفة حُجج الله علی العباد» شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، «عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار» میر حامد حسینی (م ۱۳۰۶ ق) «الشافی فی الإمامة و إبطال الحجج العامة» سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق)، اشاره کرد.

ولی با توجه به نوع رویکرد به مسئله امامت، گونه های مختلفی از تحقیقات و پژوهشها شکل گرفته است. ما در این نوشتار مسئله امامت پژوهی را در محور مبانی عقلی امامت با توجه به آراء و دیدگاه های دو اندیشمند بزرگ مسلمان، امام فخر رازی و علامه محمد حسین طباطبائی مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

۶. معرفی مذهب اشاعره و امامیه

در بحث های کلامی سه مذهب کلامی امامیه، معتزله و اشاعره از اهمیت ویژه ای برخوردارند. اگر چه مذاهب کلامی دیگر نیز وجود دارند. ما در این نوشتار، مبانی عقلی امامت را از منظر یک اندیشمند اشعری و یک اندیشمند امامی مورد بحث و بررسی قرار می دهیم. از این رو شایسته است به طور اجمالی با این دو مذهب کلامی، اشاعره و امامیه، آشنا شویم.

۶_۱. اشاعره

۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵ ص ۲۷۳.

اشاعره یکی از سه مذهب کلامی معروف جهان اسلام است که از لحاظ پیدایش، متأخر از دو مذهب دیگر، امامیه و معتزله، است. در اواخر قرن نخست و اوائل قرن دوم هجری اسلامی، اکثریت علمای اسلام به دو فرقه تقسیم شدند. گروهی به نام «اهل حدیث» و گروهی دیگر به نام «اهل اعتزال».

گروه نخست، عقائد و آموزه های اعتقادی را از ظواهر آیات و احادیث اسلامی، بدون آنکه در مفاهیم آیات، یا در اسناد روایات، بحث و دقت کنند، أخذ می کردند. و به خاطر همین سهل انگاری بود که در میان آنان، مُشَبَّه و مُجَسَّمه بیش از حد، رشد کرد. در حالی که فرقه دوم «عقل گرا» بودند و بیش از حد به عقل بهاء می دادند، آن چنان که آن را پیراسته از خطا و آسیب می پنداشتند و حتی قسمتی از آیات و روایات را که بر خلاف اندیشه های آنان گواهی می داد، به گونه ای تأویل می کردند. و در این موقع، شخصی به نام ابوالحسن اشعری که از لحاظ نسب به ابوموسی اشعری می رسد با وجود اینکه به مدت چهل سال در خانه رئیس معتزله، ابو علی جبائی (م ۳۰۳ ق) پرورش علمی یافته بود؛ به حسب ظاهر، حق نمک را اداء نکرد و در مسجد جامع بصره بر فراز منبر رفت و با صدای رسا اعلام کرد که من از مکتب اعتزال عدول کرده ام و به مکتب احمد بن حنبل، روی آورده ام. در علل بازگشت وی از مکتب اعتزال، به دو علت اشاره شده است: (۱) فشار حکومت عباسی بر معتزله (۲) اندیشه اصلاح در عقاید اهل حدیث.

البته به نظر می رسد علت دوم، قوی ترین و مهم ترین دلیل برای بازگشت وی محسوب گردد. زیرا فشار حکومت وقت را بنابر قاعده «الناس علی دینِ مُلوکِهِم» می توان مؤثر دانست ولی حتماً علت تامه محسوب نمی شود.^۱

۶_۱_۱. عقاید اشاعره

أ. صفات خبری

ابوالحسن اشعری، پس از بازگشت از اعتزال، به ترویج عقائد اهل حدیث پرداخت و از این جهت ناچار شد این نوع صفات را که در قرآن آمده، به همان معنای ظاهری حمل کند. اما برای اینکه از مجسّمه و مشبّهه فاصله بگیرد، پس از توصیف خدا، ناچار شد کلمه ای مانند «بلاکیف» بیاورد و

۱. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقائد مذاهب اسلامی، ج ۵، صص ۱۱→۳۰.

مقصود این است که خدا دست دارد بدون اینکه کیفیت دست انسان را داشته باشد و عین این سخن را درباره صورت و چشم می گوید و به طور کلی می گوید: خدا معانی همه این الفاظ را دارد بدون اینکه به بشری تشبیه شود.^۱

ب_ توحید در خالقیت

أشاعره معتقدند که در جهان، هیچ فعل و انفعالی نیست مگر اینکه خدا به طور مستقیم و بی واسطه آن را می آفریند و میان خدا و نمودهای طبیعی و آثاری مادی، کوچک ترین سبب و علتی واسطه نمی باشد.^۲ البته التزام به چنین عقیده ای، نتیجه ای جز جبر در افعال انسانی و بیهوده بودن نظامات و شرائع الهی ندارد.^۳

ج. جواز تکلیف کردن خداوند، بندگانش را به تکلیفی که فراتر از توان و قدرت بندگانش می باشد.^۴

د. رؤیت خدا در روز رستاخیز امکان پذیر است البته نه برای همه انسانها بلکه فقط مؤمنان می توانند خدا را ببینند.^۵

ه. أشاعره برای خدا دو نوع کلام قائل هستند: یکی کلام نفسی ازلی که این نوع کلام را قدیم و غیر مخلوق توصیف می کنند و دیگری کلام لفظی که در امر و نهی و خبر، تجلی می کند و حادث است.^۶

و. أشاعره، حُسن و قُبْح، عقلی را انکار می کنند و می گویند: کسانی که عقل را بر درک حُسن و قُبْح افعال، توانا می شمارند، مَشِیت الهی را محدود می سازند و از حُرّیت و آزادی آن می کاهند. زیرا پذیرفتن داوری عقل در این قلمرو، سبب می شود که خدا آنچه را که خِرَد «خوب» می شمرد، انجام دهد و آنچه را که «بد» می داند، ترک کند. و این همان ایجاد محدودیت برای

۱. همان، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۸۳.

۳. همان، ص ۹۴.

۴. همان، ص ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۵۷.

۶. همان، صص ۲۰۲→۱۸۷.

قدرت خداوند می باشد. پس برای حفظ اطلاق و عمومیت اراده الهی، چاره ای نیست جز اینکه بگوییم خوب و بد آن است که خدا آن را خوب و بد بشمارد.^۱

۶-۱-۲. برخی از بزرگان مذهب اشاعره

در اینجا اسامی چند تن از علما و اندیشمندان بزرگ اشاعره را متذکر می شویم. شخصیت های بسان:

۱_ قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ق)، ۲_ ابو منصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی (م ۴۲۶ق)، ۳_ امام الحرمین عبدالملک جوینی (م ۴۷۸ق)، ۴_ حجه الاسلام غزالی (م ۵۰۵ق)، ۵_ محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ق)، ۶_ امام فخررازی (م ۶۰۶ق)، ۷_ سیف الدین آمدی (م ۶۲۱ق)، ۸_ عبدالرحمن عضدالدین ایجی (م ۷۵۶ق)، ۹_ سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۳ق)، ۱۰_ علاءالدین قوشچی (م ۷۷۹ق)، ۱۱_ میرسیدشریف جرجانی (م ۸۱۶ق)، ۱۲_ شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ق)، ۱۳_ شیخ محمود شلتوت (م ۱۳۸۳ق) ...^۲ .

۶-۲. مذهب امامیه

امامیه یکی از سه مذهب کلامی معروف جهان اسلامی می باشد که از لحاظ پیدایش، همزاد با اسلام است. اگر چه در منشأ پیدایش شیعه اقوال دیگر^۳ مطرح می باشد لیکن هیچ یک از آنها صحیح نیست.

۶-۲-۱. عقاید امامیه

أ. توحید

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. همان، صص ۱۱۰-۱۱۲-۲۵۱.

۳. رضوانی، علی اصغر، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۱، صص ۴۰-۳۹.